



رسالت روحانیون سپاه؛ تهدیدها و فرصت ها

پدیدآورده (ها) : خاتمی، سید احمد

میان رشته ای :: پیام :: زمستان 1388 - شماره 98

از 22 تا 31

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/929585>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



پیام: از اینکه دعوت ما را برای انجام این مصاحبه پذیرفتید متشکریم.

استحضار دارید که برای ارتقای کارآمدی هر سازمان و به روز شدن قابلیت های آن، ارزیابی مستمر برنامه ها و فعالیت ها، آسیب شناسی، رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت، امری لازم و ضروری اند. نشریه پیام در نظر دارد در حیطه رسالت خود به ارزیابی فعالیت روحانیون شاغل در سپاه پردازد به عنوان اولین سؤال بفرمایید به نظر حضرت عالی، به عنوان فردی که با نهاد سپاه، نیازمندی ها و اقتضائات آن آشنایی دارید، رسالت اصلی روحانیون شاغل در این نهاد انقلابی چیست؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر می کنم از اینکه به این بحث می پردازید. به نظر می رسد که انتقاد از خود، مایه کمال و رشد است. حضور روحانیون معظم در نیروهای مسلح برکات فراوانی داشته است. ما در نیروهای مسلح جلوه های برجسته ای می بینیم که بدون تردید یکی از عواملش حضور مؤثر روحانیون محترم بوده است. حضور



روحانیون در سپاه و سایر نیروهای مسلح، نعمت معنمی است، اما باید توجه داشت

نعمت هر قدر نفیس تر باشد، آسیب شناسی اش ارزشمندتر است. انتقاد از خود، مایه کمال و فلسفه حضور روحانیت، به خصوص در نهادهای نظامی و انتظامی

این است که آموزش های دینی را گسترش دهند و به اعتقادات تعمیق

بخشند؛ چیزی که دقیقاً در زمان طاغوت حوزه ممنوعه بود؛ یعنی طاغوت دقیقاً در پی یک ارتش سکولار بود و بر این اساس تلاش می کرد اسمی از معنویت و دین در این سازمانها مطرح نشود. به فضل خدا از جمله ابتکارات نظام مقدس جمهوری اسلامی در این عرصه همین بود که از همان اول به فکر مکتبی کردن نیروهای مسلح نظام اسلامی افتاد. از جمله چهره های شاخصی که در این عرصه اصرار بسیاری داشتند که شکل بگیرد و بحمدالله شکل گرفت مقام معظم رهبری بودند. مقام معظم رهبری از آغاز انقلاب یعنی از همان زمانی که به شورای انقلاب آمدند مسئولیت بخش نیروهای مسلح را به عهده گرفتند و از جمله تدبیرهایی که انجام گرفت و تدبیر موفقیت آمیزی بود شکل دادن نهاد عقیدتی - سیاسی بود، بادم هست اوایل انقلاب گفته می شد سیاسی - ایدئولوژیک که بعداً به نام عقیدتی - سیاسی تغییر عنوان داد.

پیام: حضرت عالی از سالهای گذشته، یعنی از دوران جنگ رابطه صمیمی و خوبی با سپاه داشتید، به نظر جناب عالی حضور روحانیت در سپاه تا چه حد موفق بوده و به این اهدافی که فرمودید رسیده است؟

سپاه طبق قانون اساسی یک نهاد نظامی صرف نیست، بلکه رسالت پاسداری از انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. بر این اساس در عرصه های دیگر هم مسئولیت دارد؛ از جمله در عرصه های سیاسی و فرهنگی؛ اما نکته قابل توجه این است که آشنایی با سیاست و دفاع از مبانی فرهنگی



و سیاسی نظام با دخالت در سیاست، دو چیز متفاوت است.

گاهی این دو با هم خلط می شوند، به این بیان که بعضی ها موضع گیری سیاسی سپاه را بر اساس خط مشی ولایت، دخالت در سیاست می دانند. این درست نیست، سپاه در احزاب سیاسی داخل نبوده و نیست و نخواهد بود؛ اما اگر کسانی می خواهند که سپاه صرفاً نیروی نظامی باشد این خلاف قانون اساسی است.

سپاه طبق قانون اساسی یک نهاد نظامی صرف نیست، بلکه رسالت پاسداری از انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. بر این اساس در عرصه های دیگر هم مسئولیت دارد؛ از جمله در عرصه های سیاسی و فرهنگی.



بنابراین سپاه اگر می خواهد به رسالت خودش عمل کند بایستی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و نظامی نقش ایفا کند. اکنون با توجه به این تعریف به دو مطلب باید توجه کرد: اول اینکه سپاه فرزند انقلاب است و به طور طبیعی انس بیشتری با مبانی انقلاب اسلامی دارد و نیروهای زبده و نخبه ای در سپاه هستند. بنابراین نگاه ما به سپاه صرفاً به عنوان یک نیروی نظامی نیست بلکه نگاه به نخبگان و فرهیختگانی است که در زمان خود در عرصه های نظامی نقش ایفا می کنند. نکته دوم اینکه سپاه بستر آماده ایست برای پاسداری از انقلاب اسلامی و از سوی دیگر روحانیت هم رسالت خودش را در راستای حفظ اسلام و تبیین مبانی اسلام ناب محمدی و ترویج و گسترش این مبانی و پاسداری از انقلاب اسلامی به کار گرفته است؛ بنابراین با توجه به این دو نکته نقش روحانیت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حقیقت، تحکیم و تثبیت همین معنویت، بصیرت و بینشی است که بحمدالله از آغاز بوده است. بنده در مجموع حضور روحانیت را در سپاه موفق می دانم. ضمن اینکه نمایندگانی را که تاکنون ولی فقیه داشته، به خصوص نماینده فعلی مقام معظم رهبری جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای سعیدی را چهره ای با بصیرت، روشن و رهرو خط ولایت می دانم و معتقدم همین خط در سراسر سپاه در جریان است.

پیام: همان طور که فرمودید یکی از عوامل رشد هر سازمانی، وابسته به بازنگری در رفتار و ماموریت‌های خود است. به نظر حضرت عالی چه آسیب‌ها و تهدیدهایی متوجه حضور روحانیت در سپاه می‌باشد؟

مواردی وجود دارد که اگر وارد این نهاد مقدس شود آسیب و ضربه زنده است. به نظرم اولین آسیبی که از همه مهمتر است، خروج از زیّ طلبگی است.



در نهاد سپاه به گونه‌ای خاص به یک روحانی نگاه می‌کنند. اتاق یک روحانی باید کانون آرامش باشد؛ یعنی هر کسی از هر دری رانده می‌شود این در به رویش باز باشد، اینکه یک روحانی ژست نظامی به خودش بگیرد، آسیب است. روحانی باید روحانی بماند و این یعنی ساده زیستی، مهربانی، بصیرت و ...، اگر خدای ناکرده بنده طلبه با عزیز سپاهی یا با سربازی که همراه هست برخوردم برخورد یک طلبه نبود، برخورد یک نظامی بود، این به نظر می‌رسد خروج از زیّ طلبگی است. به خصوص سفارش می‌کنم به عزیزان روحانی که نیروهای سرباز و وظیفه همراهشان هستند با حساسیت بیشتری به این مسئله نگاه کنند، طوری رفتار کنند که اگر مدت خدمتشان هم تمام شد آن سرباز وظیفه بگوید دلم برای حاج آقا تنگ شده و خدای ناکرده طوری رفتار نکنیم که تا وقتی این سرباز داخل مجموعه است احترام بگذارد و سلام نظامی دهد؛ اما تا رها شد نگاه بغض‌آلود داشته باشد. این یک آسیب است. روحانیت در هر حوزه‌ای که وارد می‌شود نباید خدای ناکرده خودش را گم کند و قدرت سبب بشود که از آن روشی که سلف صالح ما داشتند دست بردارد.

آسیب دومی که به نیروهای مسلح اختصاص دارد مسئله اختلاف بین عقیدتی و فرماندهی است. اختلاف بین این دو، آسیب جدی است. ما در این سی سال برخی آسیب‌ها را لمس کرده‌ایم. فرماندهان سپاه چهره‌های صالح و خدمتگزارند؛ البته نه اینکه نقدی بر آنها وارد نباشد، از طرفی روحانیونی هم که جذب سپاه می‌شوند از صافی‌هایی رد می‌شوند تا به این مرحله می‌رسند. چه بسا بر آنها هم نقدی وارد باشد روحانیت باید مواظب باشد که زمینه اختلاف به وجود نیاید، فرماندهان محترم نیز مراقب باشند که این اختلاف پدید نیاید.

سومین آسیب: رکود علمی و در جازدن علمی روحانیون در نیروهای مسلح است. سالیانی پیش در دوره آیت الله موحدی کرمانی در محضر ایشان عرض کردم که مسئله رشد علمی روحانیون سپاه باید جدی گرفته شود. فرماندهی سپاه بعد از جنگ ابتکار خوبی به خرج داد و بستری فراهم کرد که عزیزان سپاهی رشد علمی پیدا کنند. این حرکت تحولی در سپاه به وجود آورد و همچنان



ادامه دارد. موج درس خواندن‌ها در سپاه بحمدالله گسترده است. این جداً شایسته تحسین و تکریم است. بنده معتقدم در عرصه روحانیت هم باید این موج را به وجود آوریم؛ یعنی نباید طلبه ما در سپاه درجا بزند، باید بستری فراهم کرد که برود به

اسیب دومی که به نیروهای مسلح اختصاص دارد مسئله اختلاف بین عقیدتی و فرماندهی است. اختلاف بین این دو، آسیب جدی است.

سوی تحصیل و پیشرفت علمی. الان هم بر این باورم باید این قصه را به عنوان یک راهبرد دنبال کرد و تلاش کرد که سطح علمی روحانیون شاغل در سپاه حتماً بالا برود. البته معتقدم در کنار رشد علمی باید به درس های اخلاق، خیلی توجه کرد. مرحوم آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی به بنده فرمود: ما با آقای مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم هم درس بودیم، مدتی دیدم که آقای حکیم سر درس مرحوم آقا ضیاء حاضر نمی شوند. به ایشان گفتم: چرا سر درس نمی آیی؟ ایشان به من گفت: هم زمان با درس مرحوم آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی یک درس اخلاقی شروع شده است، من آن درس را لازم تر از اصول می دانم. این موضوع نشان می دهد که بزرگان ما به درس اخلاق بیشتر اهمیت می دادند. من معتقدم خود عزیزان روحانی سپاه باید به فکر خودشان باشند؛ به رشد علمی، اخلاقی، سیاسی و ... بیندیشند. اکنون زمینه های گوناگونی برای رشد علمی عزیزان فراهم شده است.

آسیب دیگری که به نظرم می رسد فقط به روحانیت سپاه اختصاص ندارد؛ بلکه مربوط به کل روحانیت است به خصوص روحانیون مسئول؛ و آن مسئله غفلت از همسر، بچه ها و بستگان است. روحانیون محترم سپاه آنقدر در طول روز در کارها و امور سپاه شرکت می کنند که وقتی به خانه می روند حوصله ندارند با همسر و فرزندان شان صحبت کنند و چه بسا این بی حوصلگی به ضرر تمام شود و در این مسیر، مشکلاتی پدید می آید از جمله: مشکل اختلاف فرهنگی، اختلاف سیاسی و ...، گاهی وقتها دشمن، فکر فرزند یک مسئول را می رباید و از این نمونه ها بسیار مشاهده شده است. روحانیت معظم، به خصوص عزیزانی که شاغل هستند بایستی امر خانواده را جدی بگیرند و قبل از اینکه ندامتی به بار آید، راه برون رفت از این آسیب ها را به کار ببندند.

پیام: عده‌ای معتقدند که ورود روحانیون در سپاه و کارهای اجرایی، از جهاتی منافی رسالت طلبگی است، چون باعث بازماندن از کارهای علمی می‌شود و نیز کارهای اجرایی مقتضیاتی دارد همچون برخورد، تنبیه و ... که به لحاظ اخلاقی هم از شأن روحانیت می‌کاهد و هم اینکه بعضی از توفیقات را سلب می‌کند؛ همچون توفیقات علمی و فرهنگی؛ ارزیابی جنابعالی در این خصوص چیست؟



باید زیربناها را تحلیل کنیم؛ یعنی ببینیم خواستگاه این نظریه چیست که می‌گوید ورود روحانیون در کارهای اجرایی با قداست آنان در تعارض است. من ریشه این نظریات را به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه، تز جدایی دین از سیاست می‌دانم و ریشه این تز هم

نظریه سکولاریسم است؛ البته ممکن است همین افراد خودشان متوجه نباشند؛ به هر حال دو نظر در رابطه با دین وجود دارد؛ یک نظر این است که دین برنامه زندگی است و برای آبادانی دنیا و آخرت آمده و یک نظر هم این است که کار دین فقط آبادانی آخرت است که نظریه سکولاریسم آخرش به اینجا ختم می‌شود؛ یعنی دین در عرصه حکومت دخالت نکند. این نظر قبل از آنکه امام بذر انقلاب را در حوزه بیفشاند کم طرفدار نبود، فضای جامعه طوری بود که روزنامه خواندن طلبه جرم بود، امام وارد میدان شد و اساس کارش مبارزه با این تز بود. سخنرانی‌های امام از سال ۴۲ تا ۵۴ نشان می‌دهد که امام با این تز رضاخانی «جدایی دین از سیاست» مخالف است. انقلاب ما بر اساس اسلام شکل گرفت و مردم به امید اسلام به صحنه آمدند. اینجا دو راه پیش روی روحانیت است: اول اینکه در جایگاه‌های ضروری حضور داشته باشند و پاسدار انقلاب و ارزشهای آن باشند، دوم اینکه در این کارها دخالت نکنند. بنده هیچ تردیدی ندارم چنانچه روحانیت بخواهد کنار بکشد، معلوم نیست چه بر سر این انقلاب می‌آید. ما در جریان مشروطه شاهد بودیم که با کنار کشیدن روحانیت یا بهتر بگویم کنار زدن روحانیت اصیل، رضاخان وارث مشروطیت شد !!!

معتقدم قداست دین به حضورش در صحنه است. دینی که می‌گوید اگر به گوش راست سیلی زدند گوش چپ را هم تقدیم کن تا سیلی زنده، این دین دلیل است. عزت دین به حضورش در میدان زندگی است، آنچنان که قداست امیرالمؤمنین علی علیه السلام فقط به محرابش نبود هم به آن بود و هم به

حکومت عدالت گسترش و قداست سیدالشهدا علیه السلام هم با دعای بلند روز عرفه‌اش بوده و هم با سخن شکوهمند کربلا پیش که «هیپهات منّا الذّله» و هم نهضت خونین احیاگر دین .

قداست روحانیت هم به حضورش در صحنه است. این فرصت طلایی در طول تاریخ برای روحانیت وجود نداشته و ما خداوند را برای چنین موقعیتی شاکریم. سخت بر این باورم که روحانیت باید در صحنه

نظام و حکومت باشد، آن هم صحنه‌های ضروری؛ و منظورم از صحنه‌های ضروری

این است که ما کار روحانیت را در این نظام تعریف کنیم، اگر می‌خواهیم حضور روحانیت دچار افت نشود باید روحانیت در تمام عرصه‌هایی که لازم و ضروری است حضور داشته باشد.

این است که ما کار روحانیت را در این نظام تعریف کنیم، بخشی از آن را قانون اساسی تعیین کرده و ملت هم به آن رای داده‌اند؛ اما جاهایی که قانون صراحت ندارد باید تعریف کنیم که کار روحانیت چیست و در کدام عرصه باید حضور داشته باشد. تعریف ما از روحانیت این است که روحانی اصالتاً فرهنگی است و معنای فرهنگی بودن این نیست که سیاسی نیست؛ بلکه سیاستش هم فرهنگی است. اگر می‌خواهیم حضور روحانیت دچار افت نشود باید روحانیت در تمام عرصه‌هایی که لازم و ضروری است حضور داشته باشد.

پیام: سؤال گذشته در واقع مقدمه‌ای برای این سؤال بود که بعضی از دوستان طلبه ترجیح می‌دهند بیشتر به درس و بحث مشغول شوند. برای ورود به کار اجرایی چه صلاحیتهایی لازم است و هر طلبه با چه مقدار توشه‌ی علمی مجاز است وارد کارهای اجرایی و مناصب مدیریتی بشود، آیا برای وارد شدن به این صحنه‌ها پیش‌نیازهایی لازم است یا خیر؟

حوزه علمیه برای اداره خودش به سرمایه‌هایی نیاز دارد مانند اساتید و بزرگان، پس طبیعی است افرادی که در حوزه تأثیر گذارند و وجودشان مفید است و می‌توانند تحولی در حوزه ایجاد کنند بودنشان در حوزه ضروری است. یکی مدرّس حوزه است؛ یعنی اگر در حوزه نباشد کالای علمی‌اش هدر می‌رود. یکی پژوهشگر است که اگر در حوزه نباشد نمی‌تواند پژوهش کند، آن هم حسابش جداست؛ اما فراوانند کسانی که می‌توانند در جای جای کشور تأثیرگذار باشند. حوزه نباید توقف‌گاه باشد، بلکه معبر است و فلسفه حوزه‌ها همین است؛ بنابراین کسانی که فکر می‌کنند حوزه جای زندگی است - چه مفید باشند چه نباشند - این برداشت غلطی است؛ برداشت درست این است که ما خودمان را خادم دین ببینیم. اگر

دیدیم در حوزه کارایی نداریم، باید در عرصه دیگری که کارایی داریم قربه الی الله وارد صحنه شویم و خدا هم کمک خواهد کرد.



اگر دیدیم در حوزه کارایی نداریم، باید در عرصه دیگری که کارایی داریم قربه الی الله وارد صحنه شویم و خدا هم کمک خواهد کرد.

اما اینکه با چه ظرفیت و با چه سرمایه‌ای به صحنه بروند، معتقدم که تا طلبه، دین و اعتقاداتش شکل نگرفته به هیچ وجه مصلحت نیست از حوزه بیرون برود، اگر طلبه‌های مبانی دینی و اعتقادی اش محکم شکل گرفت از حوزه برود مؤثر واقع خواهد شد؛ در غیر این صورت چه بسا زیانش بیش از نفع آن باشد.

پیام: حضرت عالی که در عرصه‌های مختلف فرهنگی حضور داشته‌اید به عنوان نصیحت و توصیه بفرمایید برای توسعه کارهای روحانیون - چه در سپاه و چه خارج از سپاه - چه چیزهایی نیاز است که تاثیرگذاری آنان روز به روز بیشتر شود؟

واقعیت این است که من بین عزیزان روحانی سپاه کسانی را می‌بینم که با تمام وجودم به اخلاصشان و صفا و معنویتشان غبطه می‌خورم و احساس می‌کنم شهیدانی زنده اند؛ بنابراین نصیحت از طرف بنده درست نیست، اما می‌توانم تجربه خودم را در اختیار این عزیزان قرار دهم:

اول اینکه دل بسته خدا باشیم و به مقام و موقعیت نیندیشیم و باورمان بشود که عزت به دست خداست، پس فقط به تکلیفمان عمل کنیم، خداوند خودش بهترین مقدرات را برای ما خواهد داشت و این را بنده با تمام وجود لمس کرده‌ام.

نکته دیگر این است که هر کاری با مدارا کردن پیش می‌رود؛ قانون برای فرهنگ قانون مداری لازم است؛ اما منطق اسلام قانون همراه با اخلاق است. در حقیقت باید با اخلاق به قانون عمل کرد و در افتادن با این و آن چیزی جز آسیب در پی ندارد. آن فرماندهی که با حوزه نمایندگی یا عقیدتی اش در بیفتد دوام نخواهد داشت. روحانی محترمی هم که کارش به دعوا کشیده می‌شود، موفقیتش به پایان خواهد رسید. راهبرد ما باید محبت، مدارا و سازگاری با خودی‌ها باشد.

مطلب سوم این است که روحانی اصالتاً فرهنگی است. نباید روحانیون عقیدتی و سیاسی سپاه و دیگر نهادها صرفاً در امور اجرایی شرکت کنند و صحبتی هم که می‌کنند نباید صحبت بی محتوا باشد،

بلکه باید به گونه‌ای سخن بگویند که سخن‌شان عمیق، مؤثر و به روز باشد و طبیعتاً بایستی برنامه‌های کاری‌اش را در صحبت‌هایش بیاورد.

مطلب دیگر اینکه مسؤولان محترم نمایندگی ولی فقیه باید برای رشد



استعدادهای روحانیون بستری فراهم کنند، تا آمدن آنان به سپاه، ملازم با فدا شدن جایگاه علمی و فرهنگیشان نباشد، البته خود روحانیون هم باید به فکر خود باشند، اگر اهل قلم‌اند بنویسند و اگر اهل تبلیغ‌اند تبلیغ کنند و خلاصه نگذارند استعدادهای درخشان و نیروی مفیدشان هدر رود.

روحانی اصالتاً فرهنگی است. نباید روحانیون عقیدتی و سیاسی سپاه و دیگر نهادها صرفاً در امور اجرایی شرکت کنند.

پیام: در پایان اگر فرمایش خاصی دارید بفرمایید.

من خیلی متشکرم که شما با شوق و انگیزه این مباحث را دنبال می‌کنید. می‌خواهم به عزیزان روحانی در سپاه بگویم قدر سپاه را بدانید. سپاه قداست و ویژه‌ای دارد، ما با نیروهای خوبی سر و کار داریم، با کسانی سر و کار داریم که فرهنگ‌شان، فرهنگ شهادت است. خدا را باید شاکر باشیم که در چنین نهادی خدمت می‌کنیم.



انشاء... موفق و مؤید باشید

